

انټرانېټ و ټېلېفون حلال است يا حرام ؟

دېزاینټ: الحاج محمد شاه (پښتان) سوېډن



Ketabton.com

۱۳۹۸

نوښته :
امين الدين « سعیدی - سعيد افغانی »
مدیر مطالعات ستراتژیک افغان و
مسؤل مرکز کلتوری دحق لاره - جرمني
مارچ 2019، چاپ اول ©



www.masjed.se

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ انترنیت و تیلفون حلال است یا حرام؟

«إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ أَنْفُسَنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَالَ لَهُ وَ مَنْ يَضَلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

برداران و خواهران اهل اسلام در سایه هدایات دین حنیف اسلام زندگی شرافتمندانه و کریمانه ای دارند که در آن حلاوت و شیرینی ایمان و آسایش یقین، انس، طاعت و لذت عبادت را احساس می کنند. زندگی در سایه دین مقدس اسلام صلاح و فلاح دارین است. نباید فراموش کرد که دین اسلام دین اعتدال و میانه روی است، افراط و تفریط را به هیچ صورت نه سفارش دارد و نه قبول نموده، بلکه آنرا به مناسبت‌های مختلف و در نصوص شرعی متعدد، شدیداً مردود می شمارد.

شریعت دین مقدس اسلام هیچ کسی را به کاری که خارج از توان آن باشد، مکلف نه ساخته و نمی سازد. احکام و قوانین دین مبین اسلام مبتنی بر عدالت و دارای فلسفه روشن و متکی بر دلیل روشن دینی، برهان و معیار تشخیص آنها فکر درست و عقل سلیم است.

استعمال و بکار گیری انترنیت، تیلفون و استفاده از وسایل مدرن و تخنیک امروز یکی از موضوعات و آشیای فوق را برخی از علماء در چگونگی استفاده از آن در روشنی دین مبین اسلام، به برداشت های خطا و استنباط های خطای فقهی مواجه شده و حتی طی فتاوی حکم حرام بودن استعمال آنرا صادر نموده اند.

میدانیم که اعمال انسان در شرع اسلامی حسب قوت در حلال و حرام بودن در یک کتگوری به ترتیب ذیل تقسیم و دسته بندی شده اند: حلال، حرام، مباح، مکروه (کراهیت تحریمی و تنزیهی) و در تقسیم دیگری بالترتیب به: فرض، سنت، واجب، مباح، مکروه تقسیم شده اند.

حکم حرام را برای استفاده از انترنت، و حتی در موارد به تیلفون و سایر وسایل دیگر اطلاعات جمعی، وزمینه ساز تسهیلات انسان را دادن امر جدی است که جهت وجه نظر استنباط درست از احکام الهی (ج) توجه شما را به چند نقطه و فهم درست از اصول اسلام جلب می نمایم: قبل از همه باید گفت که انترنیت و سایر وسایل انترنیتی (تلویزیون، کامپیوتر، تیلفون، پالتک، فاکس، مخابرات و غیره شبکه کامپیوتری و شبکه های رسانه ای) از امور ضروری و حتی در برخی از موارد در زندگی امروزی و عصر کنونی بشری جز مهم حیاتی شماریده میشود که انکار از آن و یا هم حرام ساختن آن موجب عقب مانی، در مواردی مصیبت و حتی تباهی عظیمی برای نسل بشری نیز شده میتواند.

قرآن عظیم الشان در (آیه 8 سوره النحل) با زیبایی و اعجاز آمیز خاص خویش فرماید: «**وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ**» (و اسبان و شتران و خران را برای سواری و تجمل شما آفرید و چیز دیگری هم که شماهنوز نمی دانید (برای سواری شما) خواهد آفرید).

در مفهوم آیه متبرکه میتواند به چند نکته ذیل به نتیجه مطلوب رسید:
- در آیه متبرکه با تمام صراحت آمده است: که حمل، نقل و سفر یکی از ضرورت های اولیه انسانی بوده که پروردگار با عظمت ما برای تحقق این هدف حیواناتی را خلق نموده است که از آنجمله میتوان از «**وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ**» نام برد.

این حیوانات نه تنها بمتابه وسایل حمل و نقل برای بشر بشمار میروند، بلکه «**الخیل**» ، مایه زینت هم برای انسانها بشمار می میرود. و طوری که میدانید **زینت** «**زینة**» از جمله نیاز های ذاتی بشری که اثر آن در زندگی اجتماعی ظاهر می گردد .

در آیه « **وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ** » میتوان به نتیجه یک مفهوم عالی و واقعی دیگری دست یافت و آن اینکه پروردگار با عظمت برای ما انسانها می آموزاند که دست پروردگار در آفرینش و خلقت وسایل باز است. این بدین معنی است که وسایل ترانسپورتی تنها همین چند حیوانیکه در آیه متذکره از آن نام برده شد، نمی باشد، بلکه در جمله « **وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ** » برای ما انسانها می فهماند که پروردگار با عظمت ما وسایل و عجائبی دیگر را در بر و بحر هم برای استفاده شما انسانها خلق خواهد کرد ، و در اختیار شما قرار خواهد گرفت که شما تا هنوز از آن هیچ اطلاعی ندارید و حتی در فکر شما نخواهد گشت. **که از آنجمله میتوان:** بایسیکل ، موتر، لاری ، ریل ، طیارات کشتی و وسایل ترانسپورتی سریع فضای وزمین نام برد که همه آنها از جمله مخلوقات الهی بوده اند که خداوند برای استفاده بشر خلق نموده است.

همچنان در این آیه مبارکه خطاب به انسانها می فهماند که این همه اختراعات و اکتشافات در بخش حمل و نقل در آینده صورت خواهد گرفت، که شما تا هنوز از آن اصلاً اطلاع ندارید. در آیه متبرکه درسی بزرگی برای ما انسانها است که: وسایل حمل و نقل پیشرفته ای که در آینده توسط بشر ساخته خواهد شد، از آن بی اطلاعیم و بی خبر می باشیم.

پروردگار با عظمت با تمام اعجاز به بشر تفهیم نموده است که ای انسان تو در بدو علم نداشتی ، آموزش تو با قلم است « **الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ** » (آیات 4-5 سورة علق) (او که با قلم آموخت. آنچه را انسان نمی دانست به او آموخت.) در این آیه متبرکه در می یابیم که قلم بهترین وسیله انتقال علم و دانش است و وحی الهی سر چشمه علوم بشری است.

پروردگار به انسان آموخت که تدبیر و تعقل خود را بخرج دهد تا هنوز به اسرار واقعی پی نه برده اید، تا هنوز اشیا و ادواتی در زندگی شما است که بدان علم ندارید، عالم حقیقی و واقعی پروردگار با عظمت است.

ما امروز در عصری زندگی میکنم که عصر انقلابی تکنالوژی است، عصر تحولات عظیم فضای الکترونی است. بنا انسان در این عصر وسیله را خلق کرد و نام آنرا کمپیوتر گذاشت و انقلاب بزرگی در حیاتی علمی بشر بعمل آورده است که قبلاً ما از آن اطلاعی نداشتیم.

خواننده محترم!

نباید فراموش کرد زمانیکه برای بار اول میکروفون (بلند گو) توسط بشر اختراع به کار گرفته شد، مباحثات و فتاوی بین تعداد از علمای اسلام آغاز یافت. تعدادی از علماء عجله بر حلال بودن میکروفون (بلند گو) و تعداد هم بر حرام بودن میکروفون که وسیله برای تبلیغ و ارشاد نیز شده میتواند و بود، حکم صادر نمودند.

نباید فراموش کرد که در سالهای 40 قرن نوزدهم، زمانیکه عالم متبحر جهان اسلام شیخ حسن البناء در مسجد جامع مصر میکروفون در دست داشت و برای مردم موعظه دینی و خطبه های دینی، شرعی، درس دینی و تفسیر قرآن عظیم الشان بعمل می آورد، برخی از همین علمای دینی در مجلس حاضر شیخ حسن البناء در مقابل اش به پا ایستادند و برایش می گفتند: استفاده از میکروفون در شرع جواز نداشته و این استفاده شما یک بدعت در دین بشمار می رود و نباید وسیله میکروفون را در مسجد مروج ساخت.

علماء به حسن البناء با استفاده از نقل قول ها و روایات فقهی با تمام صراحت بیان داشتند این وسیله شیطانی است و استفاده از آن در مسجد بدعت میباشد، یعنی «**ادخال ما لیس من الدین فی الدین**» است؛ یعنی شما چیزی های داخل دین می سازید در حالیکه جزو دین و شریعت نیست. « من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهو رد » متفق علیه. یعنی : « هرکس در این دین ما چیزی ابداع کند که جزو آن نباشد، پس مردود است.»

بودن علماء که میکروفون را امر بدعت دانستند، و از شیخ حسن البناء تقاضاء بعمل آوردند تا از این امر بدعتی دست بردار ، ولی شیخ حسن البناء با تمام وضاحت شرح میداد من از این وسیله قرآن احادیث و تفسیر و علوم اسلامی را خدمت شما میخوانم و تبلیغ و تفسیر قرآن و احادیث را به سمع شما میرسانم کجای آن بدعت و حرام است.

من توسط این وسیله توانمندی آنرا درمی یابم که به هزاران نفر از سامعین خویش صدای اسلام را به آسانی و فهم کامل برسانم.

شیخ با استدلال و منطق حسنه آهسته آهسته مردم را به اهمیت و ضرورت میکروفون متوجه و آشنا ساخت تا اینکه این وسیله از **حکم حرام بودن و بدعت بودن** برآمد و امروز الحمد لله از همین میکروفون ها صدای الله اکبر آذان پیامبر صلی الله علیه و سلم به گوش همه مسلمانان میرسد، و این وسیله حرام امروز جای خاصی خویش را در منابر مساجد جهان برای خود باز کرده است.

همین امروز بشریت وسایل دیگری اطلاعات جمعی را کشف نموده اند، که از آنجمله پرده تلویزیون، تیلیفون و سایر وسایل سمعی و بصری است که برای امور خیریه و حلال توسط مسلمانان حتی در مساجد مورد استفاده قرار میگیرد.

میگویند برای اولین بار در زمان پادشاهی ملک عبد العزیز تیلیفون مورد استفاده پادشاه عربستان سعودی قرار گرفت. همینکه عده از این علماء تیلیفون را در دست ملک عبد العزیز مشاهده نمودند همین علماء به پادشاه عربستان سعودی گفتند که این وسیله، اشاره به تیلیفون کردند که نباید از آن استفاده کرد. حتی استفاده از آن را حرام شمردند. این علماء استدلال نمودند که شیطان از این وسیله صدای مبارک شما را می شنود. ملک عبد العزیز در جواب علماء فرمود که اگر کسی در همین وسیله تیلیفون قرآن را قرائت کند کسی خواهد گفت که آیا شیطان هم قرآن را گوش میکند؟ همه معترضین لاجواب ماندند.

ومن برآن اضافه میکنم که اگر شیطان صدای سلطان را بشنود چه مشکل خواهد داشت؟ خاصاً که شاه امر حق و عدالت را بیان بدارد. بگذار شیطان بشنود و به حق دسترسی پیدا کند.

همچنان زمانیکه تلویزیون توسط بشر اختراع و به کار گرفته شد، عین سناریو را برخی از علماء در مورد حلال و حرام بودن این وسیله براه انداختند. یک عده از علماء با تمام صراحت آنرا حرام دانسته و بنام اینکه از این وسیله موسیقی و فلم های ناروا به نشر میرسد، فتوای به شکستادن این وسیله صادر نمودند، و کسانی که مالک این وسایل بودند آنرا مورد ضرب و شتم قرار دادند.

نمونه همچو حوادث در کشور عزیز ما افغانستان در سالهای نود قرن گذشته نیز زیاد بچشم می خورد. مسلم این است که اساس وسیله استفاده است که برای چه امر استفاده میشود تا خود وسیله. غزا در راه خدا و استفاده از شمشیر که سبب قتل انسان بی گناه شود به هیچ وجه سبب و مبرر از بین بردن تمام شمشیر ها شود.

در محاکم که عدالت تأمین نه شود به هیچ وجه مبرر از بین بردن محاکم و عدالت نیست. در سالهای نود قرن نوزده، زمانیکه امارت اسلامی طالبان در افغانستان حاکم بود، و امیر المؤمنین ملا محمد عمر به حیث امیر امارت اسلامی اجرای امارت مینمود و شئون امارت طبق اوامر امیر المؤمنین، معاونینش و مفتی ها اداره امر بالمعروف و نهی عن المنکر اداره و رهبری میشد، استفاده از تلویزیون را حرام اعلام نمودند. ایشان استدلال مینمودند که تا هنوز برای ما به اثبات نرسیده که ضرر تلویزیون بیشتر است و یا هم منفعتش؟ برای ایشان معلوم نه خواهد بود اما برای ما معلوم است که وسیله به ذات خود خوب و بد شده نمی تواند و این اساس درین جا باز هم به این رابطه دارد که چگونه از آن استفاده به عمل می آید؟

مولوی رحیم الله زرمتمی معاون وزیر اطلاعات و فرهنگ امارت اسلامی طی مصاحبه در مورد تلویزیون می گفت: « در آن (اشاره است به تلویزیون) تصویر اشخاص هم وجود دارد و از نظر آنان، (ثبت و پخش) تصویر حرام است. »

وی اضافه نموده گفت: تعداد از اشخاص بدین نظر اند که: میتوان از شبکه‌های تلویزیونی در موارد اسلامی و خالی از ممنوعات نشرات و استفاده بعمل آریم، در جواب آنها باید گفت: «کسی چه می‌داند و از کجا می‌توان تضمین کند، که مردم به جای نگاه کردن این شبکه نروند سراغ شبکه‌های تلویزیونی دیگری که در آن نشرات فاسدی را نشر و بخش می‌نمایند». به این ترتیب به ایمان و اسلام مردم باور نداشتن و مطمئن به اسلام و مسلمانی شان نمی‌باشند. مولوی رحیم الله می‌افزاید: از نظر علمای ما، (اشاره است به اداره امر بالمعروف ونهی عن المنکر) صدای زن عورت است، موسیقی هم چون «ساز شیطان» محسوب می‌شود، نزد ما حرام است.

همچنان از نظر علمای ما کشیدن نقاشی اگر در آن ذی روحی (یعنی انسان و حیوان) کشیده نشود، جایز است. علمای ما در همین راستا نقاشی از طبیعت و هنرهای خطاطی را جایز می‌دانند. ولی تئاتر و سینما، با توجه به مفاسدی که دارند و اختلاط زن و مرد، در آن دیده می‌شود، بناً حرام هستند، گذشته از این در سینما و تئاتر «فریب مردم» هم هست، چون چیزی که ارائه می‌کنند چه در تئاتر و چه در سینما، به تصویر کشیده می‌شود، خالی از حقیقت است. در غیر از این، در سینما تصویر هم هست و نظر ما درباره‌ی تصویر قبلاً توضیح یافت.

همچنان ملا محمد اسحاق نظامی (مسؤل اداره رادیو و تلویزیون در سالهای 90 حاکمیت طالب در افغانستان) در مصاحبه‌ی خویش می‌گفت: تلویزیون چیز ضروری نیست و مفاسدش زیاد است، و عکاسی و فلم برداری که وسیله برای نشر و بخش نداشته باشد، یعنی تلویزیون وجود نداشته باشد، ضرورت آن دیده نمی‌شود.

در زمان امارت طالبان (سالهای نود قرن گذشته) صرف در شهر کابل رادیو بنام «صوت الشریعة» فعال بود و آنهم روزانه 8 ساعت نشرات مینمود که به گفته ملا محمد اسحاق نظامی، مطالب علمی، ادبی و هنری در جنب برخی مطالب سرگرم کننده را پخش می‌کردند. وی در صحبت های خویش می‌افزاید: ما در نشرات رادیویی به حدود حلال و حرام ملتزمیم و نمی‌خواهیم که رسانه‌ها راهی باشند برای غافل کردن مردم از یاد الله (ج)، بلکه می‌خواهیم رسانه‌ها، وسیله کمک کننده در یاد الله برای مردم باشد.

همچنان در رادیو خویش (اشاره است «صوت الشریعة») به ترانه‌ها بدون موسیقی را بخش می‌نمایم، چون دار الافتای امارات اسلامی موسیقی را شرعاً حرام دانسته، و از جانب دیگر: رسم ما (افغانها) به ما اجازه پخش و نشر موسیقی یا گوش کردن به موسیقی را در زمان‌های حزن یا وفات را نمی‌دهد و ما در کشوری هستیم که هنوز در آن هر روز تعدادی به شهادت میرسند، و همین امر بیشتر ما را به گوش نکردن موسیقی ترغیب می‌کند، به عبارت دیگر حتی اگر علماء هم اجازه‌ی گوش دادن به موسیقی را هم بدهند، شرایطی که ما در آن هستیم اجازه‌ی چنین چیزی را نمی‌دهیم. ولی خود طالبان در زیادتر از موارد دیده شده اند که اخبار جبهات خویش را از طریق رادیو بی بی سی و صدای امریکا و سایر نشرات بین المللی تعقیب می‌نمودند.

خواننده محترم!

میخواهم با تمام صراحت خدمت شما بعرض برسانم که: مشکل در این وسایل نیست، بلکه نوع استفاده از این وسایل و تکنالوژی می‌باشد، یعنی این وسایل در ذات خود حلال اند ولی چگونگی استفاده ناروا و در مخالفت از اسلام ناروا می‌باشد.

بطور مثال سؤال بعمل می‌آوریم: که آیا داشتن تفنگ حلال است یا حرام؟ در جواب در خواهیم یافت: تفنگ که در دست قطاع الطریق، متخلف و قاتل است، تفنگ حرام است. ولی همین تفنگ اگر در دست حافظ امنیت مردم، پولیس و مجاهد راستین فی سبیل الله باشد، تفنگ حلال است، زیرا مدافع حق و امنیت مردم و مجاهد از این تفنگ بخاطر دفاع از ملت مسلمة و اعلاى کلمه الله و نشر دین مقدس اسلام و دفاع از ناموس وطن آنرا مورد استفاده قرار داده است.

اگر همین وسیله حربی در دست متخلف، جانی و قاتل باشد، این وسیله دیگر حرام است. چون این وسیله سبب قتل و جنایت و تعدی می‌گردد. قتل، تعدی و جنایت در اسلام حرام است و وسیله حرام حرام است. با این منطق در میابیم که تفنگ مجاهد بحیث وسیله مقدس حلال و تفنگ شخص جانی و قاتل بحیث وسیله شر و فساد، حرام بشمار آید و حرام می‌شود.

سلاح در دست کسیکه از حریم خانه خویش دفاع میکند و متجاوز را از پا در می‌آورد مجاز و حلال است و اما اگر پولیس و صاحب خانه بعد از ختم تهدید متجاوز و شخص تعدی کنند و در حال محصور در نزد پولیس و یا از پا افتاده مورد تجاوز قرار می‌گیرد و از همین سلاح مشروع که در ابتدا استعمالش حلال بود و متخلف را از پا درآورد ولی همین سلاح مشروع بعد از پادردن متخلف که سبب دستگیری وی شده بار دیگر استعمال می‌شود و مورد کشته شده متخلف بعد از دستگیری می‌شود و یا دفاع از خود عوض دو سه مرمی که متخلف را از پا آورد، وی را بعد از دستگیری به قتل می‌رساند درین صورت حق دفاع ساقط و صاحب خانه قاتل و پولیس عوض مدافع قانون به قاتل مبدل می‌شود. همین یک سلاح درنیم اول کار حلال و مشروع اما در نیم دوم کار که قتل متخلف بعد از دستگیری است، ناروا و غیر مشروع می‌گردد. نتیجه اینکه اساس طریق بکار گیری است تا نفس سلاح.

در موضوع انترنیت، تیلیفون موبایل عین حکم شرعی را در می‌یابیم، خود انترنیت و تیلیفون در ذات خود مانع شرعی ندارد ولی استفاده سو و خارج از چوکات اسلامی از آن حرام می‌باشد. اگر این سوء استفاده از آغاز استعمال و یا درنیم و یا در وسط کار صورت بگیرد از همان لحظه حرام می‌گردد. بطور مثال اگر از این وسایل در برهم زدن حریم ناموسی و حریم خانوادگی و سایر فحشا و منکرات و وسایل قتل و جنایت مورد استفاده قرار بگیرد، دین اسلام مقدس اسلام آنرا منع نموده است. و آنرا حرام اعلان می‌دارد.

ولی اگر از این وسایل برای نشر دین و منفعت دینوی و خدمت بشری مورد استفاده قرار گیرد دین اسلام نه تنها به آن ممانعتی ندارد بلکه پیروان خویش را تشویق و ترغیب هم می‌دارد و به مسلمانان پیشنهاد هم می‌دارد که از آن باید استفاده سالم بعمل آرید.

منطق سخن این است که اگر کسی باور داشته باشد که ضررش اضافه است و باز هم استفاده کند، گناه کار خواهد شد. اما اگر کسی باور دارد که برای امر سلیم استفاده میکند و برخود باور دارد مسلماً که استفاده از آن مجاز و درست است. اگر کس درپور نباشد و راننده گی کند مسلماً سبب قتل و کشتن می‌شود و مسلماً استفاده راننده گی بروی حرام است و نباید به آن بپردازد.

امر و حکم شرع درین مورد و اشیایکه در زمان حضرت محمد (ص) استفاده نه شده و ما حال استفاده می‌کنیم چنین است: اگر چیزی در عصر صحابه و رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشت و استفاده نه کرده و ما استفاده کنیم مسلماً که منع و حرام است و اگر در آن زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم نبود و حال اختراع شده اند و ما استفاده برای سهولت و مطالب به هدایت در امر مناسب شرع بکار ببریم هیچ ممانعت شرعی ندارد. مثلاً موتر، طیاره و دیگر تسهیلات عصر، که تفصیل آن در جمله « **وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ** » آیه 8 سوره النحل گذشت.

خواهران و بردارن مسلمان!

نباید فراموش کرد که وظیفه و رسالت ما بردن و روان کردن کس به جنت نیست بلکه رساندن احکام دین مبین اسلام برای عالم بشریت جهت انتخاب خودشان است. همچنان مطابق احکام شرعی ما مکلف هستیم تا مردم را به جوهر واقعی دین مبین و مقدس اسلام که همانان سعادت دارین (سعادت دنیوی و اخروی) انسان می‌باشد، آشنا سازیم.

ما باید برای مردم این شعار اساسی دین مقدس اسلام را برسانیم که دین اسلام در مخالفت با جنگ، قتل و خونریزی دین رحمان و رحیم که در ابتدای هر امری به گفتن آن مکلف هستیم (بسم الله الرحمن الرحیم) بوده خواستار زندگی صلح آمیز برای بشریت و متناسب برای تمام موجودات می‌باشد.

از جانب دیگر دین اسلام دین جهانی و ابدی بشریت است که عقیده و روش آن پیشرفت ، ترقی و تعالی می باشد، فرهنگ و ثقافت اسلام برای سعادت بشری است. این علمای اسلامی بودند که تمدن کهن یونان را به اندلس و عربی ترجمه و از لسان عربی به لاتین و انگلیسی ترجمه و آورده شده و بشریت به تمدن و پیشرفت علم و تخنیک در اروپا و جهان رسید. این اهداف عالی را باید علمای کرام کشور ما نیز به گوش مردم برسانند.

علمای کرام و پیشتازان جامعه وظیفه دارند تا از وسایل و راه های مختلف از منبر گرفته تا انترنیت جهان و مسلمانان را از تخلف و عقب گرای نجات دهند. این وجبیه و رسالت، نه تنها اهداف عالی و انسان اند بلکی وجبیه اسلامی و رسالت یک مسلمان نیز میباشد. سخن حق و منطق آنرا باید به سایر انسانها رساند، توضیح و تشریح نمود. نباید فراموش کرد که دین اسلام برای همه بشریت مبعوث گردیده. **«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»**

همچنان در آیه (158 سوره اعراف) آمده است: **«فُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» (158)** (بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم) و این آیه مبارکه برخلاف ادعای های بی بنیاد برخی از مخالفین است که استدلال می آورند پیامبر صلی الله علیه و سلم ابتدا در فکر ارشاد مردم منطقه خود بود و چون در این امر موافق شد، بعداً به فکر ارشاد جهانیان برآمد. همچنان نباید فراموش کرد که مکتب جهانی ، رهبری جهانی هم لازم دارد ، ما وظیفه داریم که بمثابة رهروان مکتب جهانی ، اهداف و اصول این مکتب را به گوش همه افراد بشریت برسانیم و رساندن این امر مهم توسط انترنیت و وسایل انترنیتی به آسانی و به وجه احسن صورت میگیرد. ممانعت از استفاده و بکار گیری از انترنت ممانعت از اشاعه و رساندن حق و دین اسلام به عالم است.

قابل تذکر است که همین حالا تعداد کثیر از انسانها تعریف درستی و واقعی از دین مقدس اسلام و مسلمانان را ندارد ، اسلام و مسلمانان را دین و پیروان دین تروریست خطاب میدارند. ما باید برای روشن ساختن ذهن این عده از انسانها از وسایل دستجمعی از قبیل انترنیت، رادیو، تلویزیون ، تیلیفون فاکس و سایر وسایل سمعی و بصری انترنیتی استفاده بعمل آریم ، این وسایل که به ما امکان مساعد می سازد تا بطور سریع و آسان مردم را از اهداف نیک و انسانی دین اسلام و مسلمانان مطلع سازیم. نباید فراموش کرد که انترنیت دروازه های باز تبلیغاتی است که هیچکس مانع آن شده نمیتواند و هیچکس جلوگیری آنرا به آسانی گرفته نمیتواند و مردم هم به آسانی به آن دسترس روزمره دارند ، ولی اگر ما آنرا به فهم فقهی خویش حرام و بدعت بشماریم و مسلمانان را از استفاده آن منع نمایم ، بدین وسیله نه تنها خود را از دنیا و عالم بشریت محروم و تجرید می سازیم ، بلکه نمیتوانیم رسالت دینی خویش را در بین مردم بوجه احسن انجام دهیم و خدا ناخواسته فردا در نزد پروردگار مواخذه خواهیم شد.

همچنان باید بیان داشت که شناخت و ایجاد روابط دوستی و آشنایی با انسانها و پیدا کردن دوستان و همفکران در انترنیت کدام ممانعت شرعی نداشته و جوانان در فضای و دایره دقیق شرعی میتوانند از همدیگر شناخت و در نهایت روابطه دوستانه پیدا نمایند و حتی از همین طریق به شیوه شرعی به ازدواج و زندگی مشترکی برسند. جوانان باید این وسیله را برای خیر استفاده نمایند ، و از استفاده مصیبت زا این وسیله باید جداً دوری جویند.

میخواهم در همین مبحث خدمت خوانندگان محترم بعرض برسانم که آیا صدای زن عورت است و یا صدای زن عورت نیست ! آنچه شایسته دقت و تأمل در مورد صدای زن در شرع است اینست که در این مورد باید: حکم «اسماع» (شنواندن) و «استماع» (گوش دادن) صدا با هم تفکیک بداریم ، اگر صدایی زن که سبب تحریک مرد نامحرم و لذت بردن و یا ترس از مبتلا شدن به گناه و پیامدهای دیگر آن باشد، آن صدا حرام است در غیر آن بصورت کل صدای زن در شرعیت اسلامی حرام نمی باشد. در قرآن عظیم الشان راجع به این موضوع دلیل و نص قرآنی وجود ندارد. صرف در (آیه 32 سوره احزاب) به یک نقطه مهم در باره صدای اشاره نموده است و آنهم در مورد صدای زن در وقت صحبت با مرد است که توصیه قرآنی همین است که زن نباید در هنگام صحبت با مرد، خود را نازک

سازد، و یا هم با قر و ناز صحبت کند. این ممنوع شدن هم نه به خاطر این است که صدا زن عورت است بلکه به خاطر این است که ممکن احساسات حرام را در مردان تحریک کند. بصورت کل باید گفت:

ما باید دوماساله را به هم تفکیک نمایم:

در قدم اول: «گوش کردن به صدای محرک و لذت بخش زن نامحرم» را باید از مسأله «سخن گفتن مهیج و لذت بخش زن» با هم جدا کرد و حکم سماع و اسماع را طوریکه در فوق یاد آور شدیم باید از یکدیگر تفکیک نمود و مورد بحث قرار داد.

ابن حجر از علمای مشهور علم حدیث چنین روایت می کند: به شرط اینکه خطر افتادن به زنا نباشد، حتی اگر برده هم نباشند، می توان، صدای آواز خواندن زن را شنید. چونکه پیامبر صلی الله علیه وسلم هم در احادیث جاریتین هم این مسئله منع نکرده اند، و حتی مانع منع کردن ابوبکر نیز شده اند. (ابن حجر، فتح الباری، صفحه 115)

همچنان استفاده از تلیفون های سیار یعنی موبایل هم برای تفاهم و تسهیل است نه برای شر و مصیبت، پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**مَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا**» مسلم. یعنی: «کسی که به گمراهی و گناه دعوت کند، بر وی گناهیست مثل گناهان آنانکه از وی پیروی کردند و از گناه آنها نیز چیزی کم نمی شود.»

بنابراین جوانان در قدم نخست این وسیله را برای خیر و منفعت استفاده نمایند و از صحبت های اضافی و مسایل و مباحث که از آن بوی شر و مفهوم خلوت مفسده شر و ناروا بوجود می آید، جداً جلوگیری بعمل آرند.

حکم شرعی در امور چت بین مرد و زن در اینترنت و یا هم مکالمات و کنفرانس های ویدئو و تلیفونی همین است که این چت ها، تماس ها، مکالمات و ویدئو کنفرانس ها با نزدیکان و یا هم در بین هر زن نامحرم دیگری باید، با وقار و احترام و دایره حلال باشد و مسایل شرعی از قبیل عدم خلوت، عدم شوخی و مسخره و خندیدن با یکدیگر، حجاب و غیره اگر در آن هدایت شرعی مورد رعایت قرار گیرد، در اینصورت هیچگونه اشکال دیده نمیشود، ولی اگر در تماس های خلوتی سخنان غرام و عاشقانه و شهوت انگیز، و یا شوخی و مسخره با یکدیگر صورت پذیرد، طبیعتاً در فهم شرعی جایز نمی باشد، زیرا این مسایل مقدمه فاحشه خواهد بود و خداوند متعال میفرماید: «**... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا**» (آیه 32 سوره الأحزاب)

حکم شرعی در این مکالمات و تماس ها برای زنان همین است که: در سخن گفتن ملایمت نکنید (یعنی: هنگامی که با مردان نامحرم سخن می گوئید، ثن صدایتان را پایین نیاورید و نرم و ملایم سخن نگوئید چنان که زنان فتنه برانگیز چنین می کنند) «که آن گاه کسی که در دلش مریضی است (یعنی: کسی که بدکار یا منافق است) «طمع می ورزد. و نیکو سخن گوئید» (نزد مردم، طبق سنتهای شرع؛ سنجیده و به دور از شک برانگیزی، به طوری که شنونده چیزی از آن را ناشایست و غیر شرعی تلقی نکند).

بصورت کل باید گفت که: برای مرد و زن مسلمانان استفاده از اینترنت تلیفون و چت و دایر کردن ویدئو کنفرانس ها، حرام نیست، و طوریکه در فوق یاد آور شدیم، در این مورد شرع هیچگونه ممانعتی نمی بیند، به شرطیکه از آن استفاده غیر شرعی بعمل نیاید.

زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**لَا يَخْلَوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ تَالِيَهُمَا**». یعنی: «هیچ مردی با زنی خلوت نکند، چرا که نفر سوم آنها شیطان است» به روایت احمد و ترمذی. علاوه بر آن؛ این امر منجر به فتنه خواهد شد مگر برای کسی که خدا به او رحم کند.

قابل تذکر است که این اتصالات و صحبت ها و گفتگوی ها بین زنان با مردان، که معمولاً در این گفتگوها در سخن گفتن تساهلی از طرفین روی می دهد، و به اصطلاح به نوعی، دعوت به فتنه بینشان می انجامد و در نهایت به اسباب گناهی، فتنه و فساد مبدل میگردد و از حالت مباحیت به حرام تبدیل میشود و در نتیجه باعث نفوذ شیطان در قلوب دو طرف می گردد و نوع محبت بین دو طرف ایجاد می نماید یا اینکه از گفتارهای زشتی نسبت به هم استفاده می کنند، یقناً به فهم و منطق شرعیت

غرای محمدی صلی الله علیه وسلم حرام می باشد، واز آن ممانعت شده است . در غیر این حالات تلویزیون ، اینترنت و چت، ویدئو کنفرانس و تیلیفون کنفرانس پالتک و غیره، نه تنها حرام نمی باشد، بلکه امروز به یک ضرورت حیاتی انسانها مبدل شده است.

پروردگار با عظمت ما و فرزندان ما را از استفاده حرام از وسایل انترنیتی محفوظ و در امان داشته باشد و بر ما است که باید جداً از آن دوری بعمل آریم.

نباید نعمت ها و پراخی الهی (ج) را به کفران مبدل سازیم، بالکعس باید شکر الله را باید بجا آریم که پروردگار با عظمت ما همچو وسایل تسهیلاتی حلال را در اختیار ما قرار داده است: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ.» (آیه 7 سوره ابراهیم) (که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود. صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.) .

از الله تعالی توفیق عمل و استفادهء سالم از نعمات الهی را استدعا داریم و خواهانم .

والله اعلم بالصواب

ومن الله التوفيق

حمل سال 1398 - مارچ 2019

saidafghani@hotmail.com

ایمل ادرس:

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**